مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۹ ، پاییز ۱۳۹۶جلد۱، ص۲۶۱-۲۴۷
http://www.jhss.ir

بررسی تطبیقی تاثیر سحر و قرآن در انسان

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۹ / پاییز ۱۳۹۶ / ص ۲۶۱-۲۴۷

سید محمود محقق مطلق[۱]، شهاب الدین ذوفقاری[۲]، محمد حسن صانعی پور[۳]، محمدرضا ضمیری[۴]

[۱] استاد دانشگاه معارف قرآن و عترت(ع)

[۲] استادیار گروه معارف قرآن و تفسیر. دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع)

[۳] استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور

[۴] گروه علوم و قرآن دانشگاه پیام نور واحد قم

نویسنده مسئول:

سید محمود محقق مطلق

چکیده

انسان در تعامل با موقعیت های گوناگون توان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری از آنها را دارد .سحر و معجزه دو ابزار قوی برای تاثیر گذاری برانسان هستند. هرکدام از این دو ابزار تاثیر گذار فرایند خاص خود را دارند.سحر با تکیه بر کلام و رفتار خاصی از طرف ساحر ظهور وبروز می یابد اما معجزه عملی خارق العاده است که برای اثبات ادعای نبوت از طرف پیامبران الهی و به اذن خدا صورت می پذیرد. این دوعامل موثر در وجود انسان ،وجوه مشترک و متفاوتی باهم دارند .دراین پژوهش به مفاهیم سحر ،معجزه ،انواع سحر و تفاوت و اشتراکات این دو اشاره شده است .

کلید واژگان : تاثیر ،سحر ،معجزه

مقدمه

انسان موجود تاثیر گذار و تاثیر پذیر است .تاثیر گذاری و تاثیر پذیری او به عوامل گوناگونی وابسته است.یکی از عوامل تاثیر گذار بر انسان سحر است.سحر و جادو یکی از علوم شگرف است که ماهیت آن ذهن بسیاری از انسان ها را به خود مشغول نموده است. سحر واقعیتی آموختنی و اثرگذار است که با اراده و قدرت روح انسان به سرانجام می رسد . قرآن، حدیث و علومی چون روان شناسی تاثیر آن را تأیید می کند. بیشترسحر خیال پردازی و غیرحقیقی ومانند امور خارق‌العاده است. اما در واقع به دلیل آموختنی بودن آن امری خارق‌العاده نیست. علت خارق العاده بودن آن ،به تخیل انسان مسحور باز می گردد.

یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار دروجود انسان معجزه است. معجزه در لغت ، از ریشه «عجز» و به معنای بن و پایان یک شیء بوده و در اصطلاح، حقیقتی شگفت انگیز ، بی مانند و همراه با تحدّی است که از سوی پیامبران الهی برای اثبات رسالت آنها آورده می شود.

سحر و معجزه به خاطر تاثیر گذاریشان به عنوان یکی از ابزارهای قدرت ساحر و پیامبر به حساب می آیند. ابزارهای قدرت ممکن است نیروی نظامی،تجهیزات وانسانی و....باشندکه با عنوان قدرت سخت شناخته می شوند..باتوجه به قابلیت تاثیر گذاری این دو ابزار بر انسان ها ،برای تغییر رفتار ،علائق ،ارزش ها،فرهنگ و...می توان آن دو را ابزار قدرت نرم به حساب آورد. قدرت نرم واژه ای است که به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه ،برای نفوذ غیرمستقیم بر رفتار یا علائق سایر مجموعه های دیگر از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می رود. «قدرت نرم از منبع فرهنگ نشأت می گیرد: ، فرهنگ مجموعه ای از ارزش ها و رویه هایی است که به جامعه معنا می بخشد .زمانی که فرهنگ یک قوم ارزش های خاصی را در بر گیرد ،این ارزش ها زمینه تولید قدرت نرم را فراهم می سازد.می توان این قدرت را این چنین تعبرف کرد « .قدرت نرم را چنین تعریف کنیم: قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران. به عبارت دیگر جنس قدرت نرم از نوع اقناع افرادبرای پذیرش یک موضوع است.» (جوزف نای ، ۱۳۸۹،:۳۹)

قدرت نرم یک گروه به عنوان عمیق ترین منبع قدرت فرهنگی از طریق یک تکامل طولانی تاریخی واقعیت می یابد. سبک تفکر، ایدئولوژی، سنت های فرهنگی، آداب قومی، نظام اجتماعی، رژیم اقتصادی، نحوه زندگی ، تطور شکل های مختلف تولید قدرت نرم هستند. در چنین فرایندی هر یک از عناصر قدرت نرم همواره تحت تاثیر سنت های فرهنگی قرار دارد.

قدرت نرم بیشتر ناظر بر ابعاد فرهنگی، روانی و اطلاعاتی است. در این نوع قدرت، به جای تصرف و تسلط سرزمین‌ها و یا دولت‌ها، تصرف «ذهن» ها و »قلب«ها مد نظر قرار می گیرد. و از این طریق، یعنی با تسلط بر ذهن و قلب افراد یک جامعه می‌توان آنان را به «اقناع» رساند. به سادگی روشن است که ابزارهای رسیدن به چنین هدفی در اولویت اول، رسانه های فرهنگی و اطلاعاتی است.

دو پدیده تاثیر گذار «سحر و معجزه » از ابزارهای قوی تولید قدرت نرم هستند .سحر و ساحری جزیی از فرهنگ یک گروه یا ملت و دولت است .در فرهنگ جاهلی سحر جزء فرهنگ لاینفک آنها به حساب می آمده است.ابزار اعمال سحر معمولا کلام آهنگین و مسجع است که در مخاطب نوعی شیفتگی و جذب ایجاد می کند ویا تنفر به وجود می آورد.عرب جاهلی در فصاحت وبلاغت به حد اعلی رسیده بود .بنابراین در سخن گفتن فصیح وبلیغ سرآمد بود .این سرآمدی در اشعار و خطابه های آنان ظهور و بروز می یافت .«مایه برتری عرب هایی که قرآن بر آنان نازل می شد شعر و شاعری بود و بر همین اساس هم قرآن ،معجزه پیامبر(ص) متنی زبانی بود» (کریمی نیا،۱۳۸۱،:۲۴۳).عرب های معاصر نزول قرآن ،نمی توانستند تفاوت میان متن قرآن و متون رایج شعر و نثر زمان خود را تشخیص دهند .براین اساس متن اعجاز آمیز قرآن را گاه با شعر وگاهی دیگر آن را با سخن مسجع کاهنان مقایسه و پیامبر را متهم به شاعری و کهانت می نمودند. این مقایسه و اتهام زنی فقط به خاطر تاثیر گذاری خاص الفاظ قرآن است.« قرآن کریم شعر بودن خود و شاعر بودن پیامبر را نفی نموده است.گرچه شعر ومتن قرآن هردو ابزاز ارتباط برای تاثیر گذاری هستند اماتفاوت هایی باهم دارند که به آن اشاره می شود.اولین تفاوت مربوط به رابطه عمودی قرآن با مخاطبان است درحالی که رابطه شعر با مخاطبانش افقی است.در فرهنگ جاهلی منبع الهام شعر ،جنیان ساکن در یکی از دره های مکه بوده است .شعر در فرهنگ جاهلی ابزار بیان محامد قبیله و هجو دشمنان بود درحالی که قرآن ابزار بازسازی واقعیت خارجی برای بهینه سازی وضعیت موجود است »(همان ،۲۴۵)

سحر ومعجزه هردو به عنوان ابزار تولید قدرت نرم به جساب می آیند .بنابراین باید به میزان توانایی این دو ابزار تولیده کننده و میزان دوام وماندگاری قدرت تولید شده ،و پای بندی وفرمان بری مخاطبان از اثر قدرت تولید شده توجه نمود .در این نوشتار به بررسی تطبیقی و شناخت ابعاد مختلف ونیز بیان تفاوت ها و احیانا شباهت های سحر با معجزه،خصوصا معجزه جاودان آخرین پیامبر الهی (قرآن کریم)خواهیم پرداخت.

۱- معنی لغوی و تعریف سحر ومعجزه

«سحر» لفظی است عربی به معنای تغییر دادن ماهیت و صورت واقعی شیء به امری غیر حقیقی یا خیالی، مترادف آن در زبان فارسی «جادو» و در زبان انگلیسی «Magic» می‌باشد. در هند باستان سحر را «یاتو » می‌نامیدند. در زبان پهلوی «جادوک» و در ادبیات زردشتی به معنای «دروغ و دروغ پرست» آورده شده است(مصاحب، ۱۳۶۷،ج ۱، ص ۱۲۷۶)در لغت نامه ها به معنای «خدعه و نیرنگ» آمده است که حق را به صورت باطل در می‌آورد. (احمد ابن فارس ،۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۳۸، ماده سحر) دربعضی از کتب لغت به سه معنا ی سحر اشاره شده است .

۲-۱- فریب وپندارهای بدون حقیقت وواقعیت ، همانند شعبده بازی وتردستی ؛ سحر جادوگران فرعون از همین نوع بوده است(راغب اصفهانی،ذیل لغت سحر)آیه ذیل به این معنا اشاره دارد .« قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى » (طه / ۶۶) (موسی گفت : شما اول(شروع کنید وآنچه دارید جلو) بیندازید . موسی چنان به نظر رسیدش که بر اثر جادوی ایشان ، به ناگاه طناب ها و عصاهای آنان (مار شده اند و می خزند و) تند راه می روند « فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ» (اعراف/ ۱۱۶)(هنگامی که (وسایل جادوگری خود را بینداختند مردم راچشم بندی کردند وایشان را به هراس افکندند)

۲-۲- جلب شیطان ها به روش های خاص وکمک گرفتن از آنها ؛ « هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ * تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ *يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ » (شعراء/ ۲۲۱) ؛ آیا به شما خبر بدهم شیا طین بر چه کسی نازل می شوند بر کسانی نازل می گردند که کذاب و بس گناهکارباشند(چرا که کاهنان و غیبگویان دروغ گو می باشند) (به شیاطین) گوش فرا می دهند ، و بیشترشان دروغ گویند (او از پیش خود چیزهای به هم می بافند.)

۲-۳- ممکن است با وسایلی ماهیت وشکل اشخاص وموجودات راتغییرداد، مثلا انسان راباسحر به صورت انسان دیگر درآورد ولی این نوع ، خیال وپنداری بیش نیست وواقعیت ندارد »(راغب اصفهانی ،ص۴۰۰،ذیل لغت سحر)

سحر در اصطلاح، «امری شگرف است که به امور خارق العاده شباهت دارد اما خود، خارق العاده نیست، زیرا اولاً امری آموختنی است و ثانیاً انجام آن با ارتکاب کارهای زشت باعث می شود انسان مورد وسوسه قرار بگیرد».(خرمشاهی،۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۹۳)قرطبی یکی از مفسران و محدثان بزرگ اهل سنت، گفته است: «سحر عبارت از نیرنگ های مخصوصی است که از فرط دقت و نازکی آن جز افراد خاص بدان نرسند و بیشتر آن خیال پردازی می‌باشد که عاری از حقیقت است و در چشم کسی که به اسرار کار آگاه نباشد، بزرگ جلوه می‌کند» (.حسینی دشتی،۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۱۲)

معجزه در لغت، از ریشه «عجز» بوده و به معنای بن و پایان یک شیء است، (راغب اصفهانی،۱۳۶۵، واحمد بن فارس، ۱۳۶۸،ج۴، ص ۲۳۴).که به همین معنا نیز در قرآن آمده است«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ»؛ (قمر، ۱۹، ۲۰)(ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم، که استمرار و ادامه داشته است، برآنها فرستادیم که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده، از جا می کَند)

معجزه در اصطلاح: حقیقتی است شگفت انگیز و بی مانند، همراه با تحدّی که از طرف انبیای الهی برای اثبات رسالت آنها آورده می شود؛ در این خصوص به چند تعریف از صاحب نظران، پرداخته می شود:

۲- تعریف های دانشمندان مسلمان از معجزه

بعضی از دانشمندان مسلمان تعاریفی را برای معجزه بیان کرده اند که به برخی از این تعریف ها با توجه به قدمت زمانی اشاره می شود

۳-۱- جلال الدین سیوطی(م/۹۱۱):او معجزه را چنین تعریف می نماید: «امر خارق العادۀ، مقرون بالتحدّی، مصون عن المعارضۀ...»؛ معجزه عمل و کاری خارق العاده و فوق طاقت بشری است که همراه با تحدّی و معارضه طلبی است، ضمن آنکه نظیر و مانندی برای آن وجود ندارد. (سیوطی ، ۱۴۲۱ق، ۴ /۳)

۳-۲- خواجه نصیرالدین طوسی: او در تعریف معجزه می گوید:«هو ثبوت ما لیس بمعتاد او هو نفی ما هو بمعتاد، مع خرق العاده و مطابقۀ الدعوی»(حلی ، ۱۴۰۷ق ،ص :۲۷۵) خواجه معتقد است: «در معجزه، فرقی بین اثبات عملی یا نفی آن نیست، بلکه ،خارق العاده» بودن آن، مهم است، خواه به شکل اثباتی، مانند اینکه عصا تبدیل به مار شود و یا که در شکل نفی آن، مثل اینکه، قدرت و توان یک شی از آن سلب گردد، مانند نفی قدرت و توانایی در وسیله ذبح حضرت ابراهیم به هنگام ذبح فرزندش و یا سردشدن آتش بر ابراهیم و. ...

۳-۳- آیۀ الله خوئی: ایشان در تعریف معجزه می آورد: «ان یأتی المدعی من المناصب الالهیۀ بما یخرق نوامیس الطبیعۀ و یعجز عنه غیره شاهدا علی صدق دعواه»؛ معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی می نماید (مانند پیامبر) کاری را انجام بدهد که فراتر از قوانین طبیعت باشد، دیگران نیز از انجام آن، عاجز و ناتوان باشند، ضمن آنکه، گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد (خویی ، ۱۳۷۵،ص ۳۳)

از تعریف لغوی و اصطلاحی معجزه از زبان سه نفر از دانشمندان مسلمان به این نکته پی می بریم که «معجزه ،انجام کار خارق العاده از طرف پیامبر الهی برای اثبات نبوت و با تحدی همراه است.

۴-پیشینه ی سحر وجادو

تاریخ شروع سحر و جادوگری در زندگی بشر مشخص نیست، ولی اینقدر می‌توان گفت که از زمان های خیلی قدیم این کار در بین مردم رواج داشته است.از زمان‌های بسیار دور این احساس در بشر وجود داشته است که «او با موجودات شریر روبروست و در این مقابله و رویارویی، آیین‌های جادویی را تنها سلاح خویش یافت. اسناد به دست آمده حاکی از این است که این آیین در میان ساکنان رود دجله و فرات که پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته‌اند، رواج داشته است. کاهنان این قوم معتقد بودند که در درون انسان نیروی خطرناکی وجود دارد که از او محافظت می‌کند اما در عین حال می‌تواند مخرب هم باشد» (گلسرخی،۱۳۷۷، ص ۲۲). جادوگری تقریباً در همه‌ی جوامع وجود داشته است و «بیشتر نزد «کلدانی‌ها»، «مصری‌ها»، «یونانیان» و «رومی‌ها» معمول بود».(مصاحب،۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۱۷)

از اواخر قرون وُسطی آیین‌های شیطانی باب روز شد که مهم‌ترین آنها «جادوی سیاه» بود. در این دوران جادوگری انواع و اقسام بی‌شمار یافت و یهودی‌ها آن را به کتاب مقدس در زمینه سحر و جادو مطرح کردند، سپس جادوی حروف را ساختند و در پی آن «فنون جادویی» در میان آنها باب شد. «در عصر پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله یهودیان برای مبارزه با اسلام و مسلمانان، این فنون را به کار می‌بردند و برای اینکه به این کار مذموم رنگ دینی بدهند، آن را به برخی پیامبران بزرگ همچون سلیمان‌علیه السلام اِسناد می‌دادند و سلطنت او را نشأت گرفته از سحر و ساحر جلوه می‌دادند»(جوادی آملی، ۱۳۸۲،ج ۵، ص ۶۹۲)

البته سحر قبل از حضرت سلیمان نیز وجود داشته است، زیرا هر پیامبری که مبعوث می‌شد، طاغوتیان تهمت سحر را متوجه او می‌کردند و حتی این اتهام در زمان حضرت نوح‌علیه السلام وجود داشت: «کَذلِکَ ما أَتیَ الّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلّا قالُوا ساحِرٌ اَوْ مَجْنُونٌ»(ذاریات، / ۵۲) .(هیچ پیامبری برای هدایت امت‌های پیشین نیامد جز اینکه او را تکذیب کردند و گفتند او ساحر یا دیوانه است)

قبل از ظهور اسلام، اقوام عرب چنان با سحر و جادو خو گرفته بودند که با آن زندگی می‌کردند و با آن می‌مردند. طلسم‌ها نیرومندترین

محافظین آنها به شمار می‌رفت و حکیمان و عقلای آنان با سرودهای مقدس آینده را پیشگویی می‌نمودند.ساحری سابقه ای دیرینه در تاریخ بشر دارد مهمترین دلیل گسترش آن، عدم حضور انبیای الهی یا حاکمیت کم رنگ و محدود آنان در جامعه بوده است

۵- سحر از دیدگاه قرآن کریم

سحر ، واقعیتی است که قرآن به این واقعیت اشاره کرده است. این واژه و مشتقات آن بیش از پنجاه بار در معانی مختلف در قرآن کریم به کار رفته است که با عنایت به مجموع آیات قرآن، اکثر مفسران این پدیده را به سه نوع، تقسیم می‌کنند که به دو نوع آن در قرآن، تصریح شده است و نوع سوم را با احراز شرایطی، تأیید کرده‌اند.

نوع اول، «سحر مؤثر» است که حقیقت دارد و واقعاً روی اشیاء تأثیر می گذاردچنانکه قرآن کریم می فرماید: «فقالَ اِنْ هذا الّا سحرٌ یؤثَر» «پس گفت این آیات قرآن چیزی جز سحر اثر بخش نیست.» مفسران در آیه ۱۰۲ سوره بقره، عبارت « وَاتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيْاطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولاَ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلاَ تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلاَ يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُواْ لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلاَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْاْ بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ »را گواه بر وجود سحر مؤثر می‌دانند، زیرا به نصّ قرآن کریم، خداوند متعال می‌فرماید: «با آموخته های خود، میان شخص و همسرش جدایی می‌اندازند» و وقوع این جدایی دالّ بر تأثیر سحری است که به کار می برند. (خرمشاهی، ۱۳۷۶،ج ۲، ص ۱۱۹۴) و به هر حال از آیه شریفه بر می‌آید که سحر در میان قوم یهود امری متداول بوده، و آن را به سلیمان نسبت می دادند، چون این طور می‌پنداشتند، که سلیمان آن سلطنت و ملک عجیب را، و آن تسخیر جن و انس و وحش و طیر را، و آن کارهای عجیب و غریب و خوارقی که میکرد، بوسیله سحر کرد، قرآن می‌فرماید: «آنچه سلیمان می کرد، بسحر نمیکرد و چطور ممکن است سحر بوده باشد، و حال آنکه سحر کفر بخدا است، و تصرف و دست اندازی در عالم بخلاف وضع عادی آنست،خدای تعالی عالم هستی را بصورتی در ذهن موجودات زنده و حواس آنها در آورده، آن وقت چگونه ممکن است سلیمان پیغمبر این وضع را بر هم زند؟ و در عین اینکه پیامبری است معصوم، بخدا کفر ورزد با اینکه خدای تعالی در باره‌اش صریحا فرموده: «وَ ما كَفَرَ سُلَيْمانُ وَ لكِنَّ الشَّياطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ» و نیز می‌فرماید «وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَراهُ ما لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ ».(طباطبایی، ۱۳۶۸،ج۱، ص: ۳۵۴)

نوع دوم، سحر مجازی یا «سحر تخییلی» است، یعنی ساحر پدیده‌ای را در نگاه و خیال مسحور، غیرواقعی جلوه می دهد. این نوع سحر، همان تردستی و چشم‌بندی است که حقیقت ندارد قرآن سحر ساحران زمان فرعون وموسی رااز این نوع می دانند: «فَإِذا حِبالُهُمْ وَ عِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعى»(طه/ ۶۶) (پس ناگهان ریسمان و چوبدستی ها بر اثر سحرشان در خیال او چنین می نمود که آنها با شتاب می خزند).

نوع سوم «سحر شیمیایی» که قبلاً هم اشاره شد. در اینگونه سحر، با برخی از مواد شیمیایی در برخی چیزها تغییراتی به وجود می آورند که برای بیننده، غیرعادی است« به عنوان نمونه در تاریخ ساحران زمان حضرت موسی علیه السلام می خوانیم که آنها درون ریسمان و عصاهای خویش مقداری مواد شیمیایی مخصوص قرار داده بودند که پس از تابش آفتاب و یا بر اثر وسایل حرارتی که در زیر آن‌ها تعبیه کرده بودند، به حرکت درمی آمدند و تماشاگران خیال می‌کردند آنها زنده شده‌اند، اما چون این کار به منظور اغفال مردم انجام می‌شد، مورد مذمت واقع شده است» (مکارم شیرازی ، ۱۳۶۷،ج ۱، ص ۲۶۸)

۶- حقیقت سِحر چیست؟

علوم غریبه علمی است مطلق. سحر و طلسم نیز حقیقتی ثابت و غیر قابل انکار است. در حقیقت سِحر فقط به یک نوع یا شکل واحد خلاصه نمی شود بلکه انواع و اشکال مختلف بر آن مترتب است.

اولین و مهمترین شرط برای تأثیر سِحر و طلسم این است که فرد طلسم کننده حتماً موکلی (جنّی) را در اختیار داشته باشد (تسخیر جزئی یا کلی و به عبارتی داشتن حکم مربوطه جهت عمل به طلسمات) و این از بدیهیات تأثیر عمل است.

روش های تأثیر سِحر مختلف است و برای تأثیرگذاری از روش های گوناگونی استفاده می شود.

۷-معجزه درنگاه دانشمندان مسلمان

تمامی پیامبران الهی، معجزه‌ای داشته‌اند که به وسیله آن بتوانند راستی ادعای نبوت خویش را اثبات کنند.در قرآن به معجزات انبیای سلف مکرر اشاره شده است.از جمله در سوره آل عمران، آیه ۴۹ معجزه حضرت عیسی(ع)یعنی شفا دادن نابینا و ابرص مذکور است و یا در سوره اعراف آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ به معجزات حضرت موسی(ع)اشاره شده است.

همه متکلمان پس از بیان لزوم بعثت انبیاء به طریق شناخت صدق مدعی نبوت توجه کرده‌اند و تنها راه برای این شناخت را، آوردن معجزه از سوی نبی دانسته‌اند.

اشعری(م ۳۲۴ ه) از متکلمان مسلمان می‌گوید:«معجزه فعلی است مفارق عادت، مقترن به تحدّی، سالم از معارضه که نازل منزله تصدیق از روی قرینه است.» (شهرستانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۰۲.)

بقیه متکلمان مسلمان هم نظراتی شبیه به این نظر دارند مثل «ابوبکر باقلانی ، ابو المظفر اسفراینی ، قاضی عبد الجبار همدانی(م ۴۱۵ ه)شیخ طوسی ،علامه حلی و...» سید مرتضی(م ۴۳۶ ه)در تعریف معجزه به اوصافی اشاره می‌کند که عبارتند از:خارق عادت بودن، مطابق دعوی نبوت بودن، متعذر بودن برای مردم، فعل خدا بودن، و در این صورت معجزه دلالت بر صدق نبی می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۱۳.)

برخی از متکلمان اشعری مذهب دو نوع معجزه را پذیرفته اند .یکی آنکه فقط خدا بر آن قادر است، مثل اختراع اجسام و احیاء میت و ابراء اکمه و همین نوع معجزه است که در نزد مردم برتر و مؤثرتر به حساب می‌آید.نوع دیگر معجزه آن است که در تحت قدرت بشر باشد، مانند بلاغت در نظم کلام و... (باقلانی، ۱۹۸۵م، ص ۲۳)

از نکته‌های جالبی که درباره معجزه گفته شه است:مسأله هماهنگی معجزه با زمان است.امام رضا (ع) در یکی از مناظراتش در دربار مامون در باره علت تفاوت معجزات پیامبران می‌فرماید:در زمان موسی(ع)سحر بسیار رواج و اعتبار داشت، لذا معجزه او نیز در این زمینه بود.یا در زمان عیسی(ع) چون طب و مداوای بیماران از اهمیت فراوان برخوردار بود معجزه وی هم در این زمینه بود و در زمان پیامبر اسلام، فصاحت و بلاغت و شعر و خطابه اهمیت بسزایی داشت و معجزه آن حضرت هم در این زمینه بود. این مطلب را باقلانی وعبد الرزاق لاهیجی از متکلمان اشاعره وشیعه نیز مورد توجه قرار داده اند. (لاهیجی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴.)

۸- معجزه و سحر

معجزه چون با خرق عادت همراه است، شباهت بسیار با سحر و شعبده پیدا می‌کند.این موضوع از قدیم مورد توجه متکلمان قرار گرفته و حتی در شعر و ادب نیز بازتاب یافته است.چنانکه حافظ می‌گوید:

سحر با معجزه پهلو نزند دل خوش دار سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

باقلانی مهمترین فرق معجزه و سحر را همراه بودن معجزه با تحدی می‌داند و معتقد است که اگر ساحری ادعای نبوت کند، خدا سحر او را از یادش می‌برد. (باقلانی، ۱۹۸۵م، ص ۹۴)

متکلمان شیعه نیز به این امر توجه داشته‌اند.لاهیجی وقوع سحر را قبول می‌کند و می‌گوید:این عمل بواسطه قوت نفس کاهنان پدید می‌آید و تفاوت آن با معجزه در این نکته است که همراه با دعوی نبوت نیست.لاهیجی معتقد است که وقوع سحر هیچ گزندی به صدق معجزات انبیاء وارد نمی‌کند. (لاهیجی، ۱۳۹۱،ص ۱۵۳)

۹- معجزات پیامبر اسلام

همه متکلمان مسلمان وجود اصل معجزه را قبول دارند.آنها معجزات پیامبر اسلام را به دو گروه تقسیم کرده‌اند:۱-قرآن، ۲-معجزات دیگر مثل شق المقر و ریزش آب از بین انگشتان و... امام فخر رازی معجزات پیامبر را به دو گروه حسی و عقلی تقسیم کرده است و معجزات حسی را نیز سه نوع می‌داند:«اول معجزات خارج از ذات او مثل شق القمر، دوم در ذات او مثل نوری که در چهره او بود، سوم آنچه متعلق به صفات است.وی معجزات عقلی را نیز بر شش نوع تقسیم کرده است:اول تولد و رشد در قبیله امی و بی‌سواد.دوم:قبل از بعثت چیزی درباره نبوت و اعجاز خود اظهار نکرده بود.سوم: در انجام رسالت رنج بسیار برد ولی صبر کرد و در مال کسی هم طمع نکرد با وجود قدرتی که داشت، چهارم:مستجاب الدعوه بود، پنجم:در تورات و انجیل بشارت به آمدن او وجود داشت، ششم:از ماضی و مستقبل خبر می‌داد». (فخر رازی، ۱۴۱۵،ج ۲، ص ۱۴)لاهیجی این تقسیم‌بندی امام فخر رازی را بدون اشاره به منبع آن عینا نقل کرده است. (لاهیجی، ۱۳۹۱،ص ۱۷۶)

۱۰- اعجاز قرآن

قرآن مهمترین معجزه پیامبر اسلام است و خود قرآن مردم به منکران را به تحدی دعوت کرده است چنانکه در سوره بقره، آیه ۲۳ آمده است: «فأتوا بسورة من مثله»و نیز در سوره هود، آیه ۱۳ چنین آمده است:«قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات»و یا در سوره بنی اسرائیل، آیه ۸۸ می‌فرماید:«قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله».

بعدها متکلمین به این بحث پرداخته‌اند که وجه یا وجوه اعجاز قرآن چیست؟نکته‌ای که متکلمان همه فرقه‌ها به آن اعتقاد دارند این است که معارضه‌ای با قرآن صورت نگرفته است یا اگر صورت گرفته، ناکام مانده است.از نمونه‌های ناموفق تحدی به قرآن، سخنانی است که مسیلمه گفته است مانند:«یا ضفدع بنت ضفد عین، نقی فکم تنقین، لا الماء تغیرین و..»و یا:«و الزارعات زرعا فالحاصدات حصدا و الطاحنات طحنا». (طوسی ،۱۳۶۲،، ص ۱۲۸.)

اشاعره در باب وجوه اعجاز قرآن سه وجه عمده را ذکر کرده‌اند:۱-خبر دادن از غیب و آینده ۲- خبر دادن از داستانها و تواریخ گذشته در حالی که پیامبر خواندن و نوشتن نمی‌دانست.۳-نظم بدیع قرآن و تألیف خاص آن. (باقلانی،۱۳۷۴ق ، ص ۳۳،) شهرستانی نیز وجوه اعجاز قرآن را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم کرده است که منظور از لفظی، نظم و بلاغت و اسلوب خاص قرآن است و منظور از وجه معنوی خبر دادن از غیب و گذشته است. (شهرستانی۲۰۰۴م، ص ۴۴۷) نکته مهمی که در نظرات اشاعره دیده می‌شود تاکید آنان بر این نکته است که نظم و بلاغت قرآن، معجزه است، گذشته از جنبه معنایی آن.

متکلمان شیعه درباره این مطلب که قرآن مورد تحدی بوده ولی معارضه‌ای با آن نشده است با اشاعره و معتزله اتفاق نظر دارند. (حلی، ۱۳۳۸،ص ۱۸۴.وطوسی، ۱۳۶۲،ص ۳۲۵)ولی در باب وجه اعجاز قرآن نظرات آنان متفاوت است:شیخ مفید در دو اثر خود یعنی«اوائل المقالات»و نیز «مسائل العکبریه» فصاحت و علو مقام درونی قرآن را مانع تقلید از آن می‌داند. (مفید، ۱۳۸۸،ص ۱۱۹)شیخ طوسی در باب اعجاز قرآن می گوید:علت عدم معارضه با قرآن فصاحت والای آن است (طوسی،۱۳۶۲، ص ۳۳۴.)

۱۱-اشتراکات سحر با معجزه:

انسان موجود تاثیرگذار و تاثیر پذیر است .این ویژگی انسان اورا به جهتی سوق می دهد تا موقعیت های تاثیر گذار ،بردیگران تاثیر بگذارد،ودر موقعیت تاثیر پذیری ازآنها، تاثیر بپذیرد.دو موضوع معجزه و سحر به خاطر تاثیر گذاری در وجود انسان وجوه مشترکی دارند .این وجوه مشترک ممکن است در بعد اعتقادی یا رفتاری فرد تحت تاثیر سحر و معجزه ظهور یابد.یکی دیگر از وجوه مشترک این دو موضوع پذیرش آندو در طول تاریخ به وسیله انسان بوده است و هردو موضوع از قدمت بسیاری برخورداراست .پیامبران الهی برای اثبات نبوت خود از معجزه کمک می گرفتند و مخالفان آنها برای خنثی کردن تاثیر گفتاری و رفتاری آنها با اتهام سحر و جادو بودن تاثیر گفتار و رفتار پیامبران می کاستند.بعد دیگر تاثیر گذاری این دو ابزار ،مربوط به ابعاد وجودی انسان است .هر کدام از این دو بر بعدی از ابعاد وجودی انسان تاثیر می گذارد.

۱۲- تفاوت های سحر و معجزه

سحر و معجزه تفاوت های بسیاری با هم دارند.به این تفاوت ها اشاره می شود.

۱۲-۱-.سحر، متکی به نیروی محدود انسانی است، ولی معجزه از قدرت بی پایان و لایزال الهی سرچشمه می گیرد.حداکثر قدرت سحر ایجاد تخیل محدود در ذهن انسان است که با گذشت اندک زمانی آثار آن ازبین می رود.اثر معجزه ماندگار است . افراد زنده شده به دست حضرت عیسی سالیان درازی دو باره زندگی کردند.عصای موسی تا زمان مرگ وی به عنوان ابزار اعجاز کارایی داشت ولی نخ های ساحران که به شکل اژدها ظهور یافتند بعد از دقایقی همه محو و نابود شدند. «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» (مائده /۱۱۰)

۱۲-۲-.سحر احتیاج به تمرین و ممارست قبلی دارد ولی معجزه، احتیاج به تمرین و تکرار ندارد.ساحران مدتی را در نزد استاد خود شاگردی نموده تا ترفندهای سحر را فرابگیرند .هیچ کدام از پیامبران برای بهره مندی از معجزه ،شاگردی استادی را نکردند. تفاوت سحر با معجزه درموارد زیر است .اولا آموختنی است و ثانیاً شخص جادوگر آخرین شخصی نیست که توانسته با توجهات و تلقینات شیطانی در مجاری عادت تصرف کند بلکه اشخاص دیگری هم با تعلیم می توانند به مانند او انجام دهند و جادوگر شخصی است که تحت تعلیم این علم شیطانی قرار گرفته و با الهامات و توجهات و اوراد طلسم های شیطانی اقدام به امور شبه خارق العاده می کند چرا که این اعمال شیطانی از درجه ی اعتبار از معجزه و کرامت که خداوند به بندگان صالح و برگزیده ی خود عطا می کند تفاوت دارد.

۱۲-۳-.ساحر هرگز نمی تواند کار خارق العاده را طبق پیشنهاد مردم انجام دهد مگر اینکه به صورت تصادفی با کار او تطبیق کند، ولی پیامبران بارها و بارها، معجزات (پیشنهادی) مهمی را که مردم حق‌طلب یا معاند و منکر به عنوان سند نبوت می‌خواستند، انجام می‌دادند.به عنوان نمونه معجزه حضرت صالح برای قوم ثمود از معجزات اقتراحی به حساب می آید.شتر صالح معجزه پیشنهادی قوم ثمود است.

۱۲-۴-.سحر، چون یک کار انحرافی است، طبعاً روحیاتی هماهنگ آن می خواهد و ساحران چون افرادی متقلب و حیله گر هستند از مطالعه و بررسی روحیات و اعمالشان خیلی زود می توان شناخت درحالی که اخلاص و پاکی انبیاء، سندی است که با اعجاز آنها درآمیخته و اثر آن را مضاعف می‌کند.تمام پیامبران معصوم از هرنوع گناه و رفتار و گفتار ناپسندبودند در حالی که ساحران به گناه و رفتارو گفتار ناپسند آلوده بودند.

۱۲-۵-.پیامد سحر، شکست و گمراهی؛ و پیامد معجزه، رستگاری است(مکارم شیرازی،۱۳۶۷ ،ج ۱۳ ، ص ۲۴۲)

۱۲-۶- معجزه، حق است ولی سحر، باطل. سوره ۱۷, آیه ۱۰۱
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا

۱۲-۷-. اعمال ساحران کارهایی است بی هدف، محدود و کم ارزش ولی معجزات پیامبران، اهداف روشن اصلاحی، انقلابی و تربیتی دارد(همان، ج ۸ ،ص ۳۵۸)

۱۲-۸-.تولیدات ساحران در محدوده شعاع وجودی نفس پلید آنان است و از علم غیرصحیح نشأت گرفته، از این‌رو مبتلا به نقایص است ولی ره آورد انبیاء و اولیاء در قلمرو هستی خارجی است که از آگاهی های صحیح ناشی می شود. از اینرو مبتلا به هیچگونه نقیصه ای نمی باشد.

۱۲-۹- .سحر، تنها تصرف در درون مسحور است و ساحر با کار خود در خیال بیننده اثرمی گذارد، آنگاه خیال بیننده در خود بیننده مؤثر می‌شود و در پی آن، امید و نشاط یا هراس و غم و مانند آن به وجود می‌آید، اما معجزه تأثیر در عالم خارج و تغییر واقعیت است، چنانکه چوبی حقیقتاً به اژدها تبدیل می شود یا سنگی واقعاً شکافته می شود و از آن چشمه های آب می‌جوشد(جوادی آملی ،۱۳۸۲،ج ۵ ، ص ۶۹۸-۶۹۹)

۱۲-۱۰- .سحر مطلبی است فکری و قابل انتقال به دیگران درحالی که معجزه راه فکری معینی ندارد و از راه تعلیم وتعلم، قابل انتقال به دیگران نیست. مثلاً کسی نمی‌تواند از پیامبرصلی الله علیه وآله یاد بگیرد که چگونه ماه، شکافته می‌شود(همان، ص ۷۰۱)

۱۲-۱۱- سحر به دست غیر معصوم ظاهر می‌شود ولی معجزه قدرت الهی است که به دست پیامبر و امام معصوم ظاهر می‌شود(طبری، ج ۱ ، ص ۲۳۲)

۱۲-۱۲- .ساحران، افراد دنیاپرستی هستند که اساس کارشان بر تحریف حقایق است در حالیکه دعوت انبیاء و محتوای آن گواه بر صدق معجزات آنهاست(مکارم شیرازی ،ج ۱۶ ، ص ۸۱)

۱۲-۱۳-. ساحران به حکم کار و فنّشان که جنبه انحرافی و اغفال‌گونه دارد، افرادی سودجو و منحرف هستند اما پیامبران مردمی حق‌طلب، دلسوز، پاکدل و پارسا هستند.(همان، ج ۸ ، ص ۳۵۹) «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ»(اعراف /۱۳)

۱۳- جاذبه و تأثیرگذاری قرآن

معجزه یک ابزار تاثیر گذار برمخاطب است و می خواهد مخاطب را اقناع کند.اقناع، هدف نهایی هر فعالیت ارتباطی است. وهدف اقناع، تأثیر گذاشتن بر مخاطب می‌باشد. معجزه گری قرآن دارای چنین ویژگی است. یعنی بر مخاطب خود اثر می‌گذارد و در وجود او نگرش جدیدی ایجاد می‌کند. کینت گریک، قرآن پژوه انگلیسی درباره تأثیر قرآن می‌گوید: «من وقتی که برای اولین مرتبه قرآن را گشودم و تحت تأثیر قرار گرفتم، تصور نمودم اثری که آن کتاب در من کرده، استثنایی است و در سال‌های بعد تقریبا با تمام اروپائیانی که راجع به قرآن، تحقیق کرده‌اند، تماس یا مکاتبه داشتم همه را، چنین یافتم که قرآن اثر جاذبه ی مغناطیسی در همه‌ی قرآن پژوهان اروپایی دارد... علت تأثیرگذاری قرآن به خاطر معانی و کلمات آن است. »(زمانی،۱۳۸۵: ص۱۰۲)

۱-۱۳- نقش کلمات در تاثیر گذاری

ما برای انتقال پیام، از کلمات، بهره می‌بریم در حقیقت کلمات و جملات وسیله انتقال معنی هستند.یکی از علل تاثیر گذاری قرآن که آن را به معجزه تبدیل کرده است،کلمات به کاررفته در آیات قرآن است. «کلمات قدرت از پیش اقناع کردن را دارند، کلمات و نام گذاری‌هایی که به کار می‌بریم به تعریف و ایجاد دنیای اجتماعی ما منجر خواهد شد..... »(پراتکانیس ، ۱۳۸۴،ص۶۳)علت مؤثر بودن کلمات به این نکته بر می‌گردد که«آنهاهم مانند انسانها دارای تطور ودگرگونی ومرگ ومیر و زایش هستند»{فضل الله ،۱۳۶۷}اقناع مخاطب همواره درکلمات ونوع بیان آنهادرقالب شیوه ی تبلیغ ظهور می‌یابد.«گزینش واژه‌های‌قرآنی به گونه ای انجام شده که...تناسب معنوی کلمات با یکدیگر رعایت شده تا ازلحاظ مفهومی‌نیز بافت منسجمی‌به وجود آید. به علاوه، مساله ی فصاحت کلمات، طبق شرایطی که در علم (معانی بیان) قید کرده اند، کاملا لحاظ شده است». { شریف رضی، ۱۴۰۶ ق وفتح الهی، ۱۳۸۹،ص ۵۵۳}

بر این اساس، ظاهر قرآن از جاذبه و تأثیر فراوانی برخوردار است. حتی فراوانی واژه‌های به کار رفته در یک سخنرانی، پیام، یا متن حکایت از تأثیرگذاری آن واژه‌ها دارد.به عنوان نمونه آیه ی زیر را مرور می‌کنیم «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»(حجر /۹۴) «پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.» واژه ی«فاصدع» که فعل امر«صدع» است به معنای «تبلیغ کن »در معنای استعاری به کار رفته است چون تأثیر «صدع» رساتر از تأثیر «تبلیغ» است (سیوطی،ج۲، ۱۳۸۲،ص۱۴۸) صدع به معنای شکستن است وهر شکستی صدایی ایجاد می‌کند پیامبر (ص) مامور به عملی می‌شود که انعکاس بیرونی داشته باشد وصدای آن به جاهای دیگر برسد. باتوجه به این که کلمات برای ما دنیای جدیدی را به تصویر می‌کشند. یک مثال دیگر از قرآن برای این به تصویر کشیدن ذکرمی‌کنیم «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»(آل عمران/۱۸۵) هرجانداری چشنده [طعم] مرگ است وهمانا روزرستاخیز پاداشهایتان به طور کامل به شما داده می‌شود.»عبارت (ذائقه الموت) دوبار دیگر در سوره‌های‌انبیاءآیه ی ۳۵ و عنکبوت آیه ی ۵۷ آمده است.دیدگاهی را که قرآن در باره ی مرگ تبیین می‌کند این است که مرگ همانند مزمزه کردن یک ماده ی غذایی است که انسان آن را تجربه می‌نماید. پس مرگ همانند هزاران تجربه ی دیگری است که انسان هر روزه با آن سر و کار دارد. اما مشرکان مرگ را همانند عصای حضرت موسی می‌دانند همه چیز را می‌بلعد و هیچ اثری از آن باقی نمی‌گذارد آنها مرگ را مایه ی نابودی می‌دانند «وما یهلکنا الا الدهر» کلمه «یهلکنا ،ذائقه الموت » دو دنیای جدید را برای معتقدین آن به تصویر می‌کشد.

۲-۱۳- پیام‌ها

قرآن علاوه براین که کلماتش،اقناع گر است.مفاهیم وپیام‌های‌آن موجب تأثیرگذاری برمخاطب می‌شود، ومتناسب با نیازهای مخاطب سخن می‌گویدوبه پرسش‌های وی پاسخ می‌دهد.«قرآن مجموعه قوانین از تکالیف روزانه تا تشریفات دینی، از تزکیه تا حفظ بدن و بهداشت، از حقوق عمومی‌تا حقوق فردی، از منافع فردی تا منافع عمومی....همه را در بر دارد»(زمانی، ۱۳۸۵،: ۱۰۵)

مستشرقان بسیاری نسبت به مفاهیم والای قرآن در مقایسه با دیگر کتب آسمانی اعتراف کرده و در آثارشان به این نکته اشاره کرده‌اند که علت جذبه و تأثیرگذاری قرآن بر مسلمان و غیر مسلمان، مفاهیم والای آن است. گوته شاعر آلمانی درباره قرآن می‌گوید: «قرآن اثری

است که خواننده را مفتون جاذبه خود می‌کند و بالاخره بی‌اختیار مجذوب زیبایی‌های متعدد آن می‌شود. قرآن کراراً ایمان به خدای واحد، تسلیم در برابر اراده او، اطاعت کامل احکام، خیرخواهی و بشر دوستی و مسالمت... را یادآوری می‌کند» (همان،:۱۰۵)

تأثیرگذاری مفاهیم قرآن فقط منحصر به مستشرقان نمی‌باشد، این تأثیرگذاری از زمان نزول آن، وجود داشته که نمونه بارز آن «لبید» شاعر و سراینده یکی از معلقات سبع است که وقتی با قرآن روبرو می‌شود، در عین حالی که کافر است زبان به اعتراف می‌گشاید و می‌گوید که«این قرآن فقط و فقط خدایی»است و بعد از آن مسلمان می‌شود.

۳-۱۳- تنوع مطالب

یک‌نواخت بودن مطلب برای شنونده و یا خواننده خسته کننده است. اگر تنوع در مطلب ایجاد شود و این تنوع هدف خاصی را دنبال نماید، جاذبه و نشاط برای شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند. قرآن این ویژگی را دارد. آیات ۲۰ تا ۲۴ سوره نمل، گفتگو و خبر رسانی هدهد به حضرت سلیمان را تبیین می‌کند در این گزارش هم معارف عقیدتی بیان می‌شود و هم معایب شرک و هم یک گزارش تاریخی از قومی‌در منطقه سبأ است و همین ترکیب تاریخ با عقاید، عامل جذابیت آن شده است.«وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ- لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ -فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ - إِنِّي وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ - وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ »(نمل/ ۲۰-۲۴)(پرندگان را مورد بازدید قرار داد.گفت چه شده است هدهد را نمی‌بینم یا این که غائب است. قطعا او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد. پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای تو از سبا گزارشی درست آورده‌ام.من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند.)

۴-۱۳- بهره‌مندی از صناعات ادبی

برای اینکه متن نوشتاری یا گفتاری خود را زیبا سازیم از صناعات ادبی استفاده می‌کنیم، چه این صناعات،مربوط به معانی و مفاهیم باشد و چه به ظاهر الفاظ. در قرآن کریم، از این صناعات فراوان بهره‌گرفته شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود. نمونه ی دیگر در رعایت تناسبات زبانی را می‌توان در میزان و کیفیت حضور انواع ادبی در قرآن دید. قرآن پس از آنکه بردل و جان مسلمانان فرود آمد، منشا انبوهی از علوم ادبی و زبانی شد و توجه همگان را به (کلمه) و ظرفیت‌های‌بی پایان آن جلب کرد. مطابقت اسلوب زبانی با اهداف و برنامه‌های‌قرآنی، دامنه ی گسترده ای دارد که مرزهای‌آن به کلمات و حتی حروف نیز کشیده می‌شود. بدین معنا که قرآن مجید، با توجه به معنایی که در آیه ی خاصی بیان می‌کند، حروف ویژه ای را نیز به کار می‌گیرد.

۵-۱۳- گفتاری بودن قرآن

یکی دیگر از ویژگی‌های معجزه بودن قرآن، نظام گفتاری آن است؛ منظور از نظام گفتاری قرآن، این است که قرآن مجموعه پیام‌هایی است که در قالب گفتار از طرف خدا به وسیله فرشته وحی به پیامبر(ص) ابلاغ شده و ایشان آنها را در قالب آیه، آیات و سور به مردم رسانده است، بین نظام گفتاری و نوشتاری باید تفاوت قائل شد. سخنگو یا پیام‌رسان؛ وقتی با مردم و مخاطبان سخن می‌گوید شرایط محیطی و موقعیت زمانی و مکانی مخاطبان را در نظر می‌گیرد.و تمام این موقعیت‌ها و شرایط را در سخن گفتن خود؛ رعایت می‌کند.«سبک گفتاری قرآن،التزامی‌به بیان جزئیات یک داستان یایک موضوع ندارد. برای این که بیان منظم و توضیح جزئیات در شان نوشتار است و علت بیان بخشی از داستان در قرآن به همین خاطر است و حتی داستان را با دیگر حقایق و معارف اعتقادی و احکام و مواعظ به شکل آمیخته بیان می‌کند »(معرفت،۱۳۸۵،ص ۵۱۶) به عنوان مثال آیات زیرشاهدی برگفتاری بودن قرآن است. «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا - ا ذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا - يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا - يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا - يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا - قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا - قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا »(مریم/۴۷-۴۱) «و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود. - چون به پدرش گفت پدر جان چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند می‌پرستی.- ای پدر به راستی مرا از دانش [وحی حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم.- پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است.- پدر جان من می‌ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی.- گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو.- [ابراهیم] گفت درود بر تو باد به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است.»

قرآن و فنون تأثیرگذاری

پیام‌های‌الهی که در قالب وحی و با نام قرآن از طرف پروردگا در اختیار انسان قرار گرفته است از فنون گوناگونی برای تأثیرگذاری بهره برده است.این فنون را می‌توان به اشکال گوناگون دسته بندی کرد. پیامبر (ص) در احتجاج‌ها؛ هیچ وقت از مقدمات وهمی‌و خیالی استمداد نمی‌جست و در بحث‌های کلامی‌از متشابهات کتب آسمانی پیامبران قبلی یاری نمی‌گرفت چون ایشان عقل کامل و آگاه به محکمات کتب آسمانی پیشینیان است. «رسول اکرم که از نظر بینش، عقل ممثل و از نظر کشش و کوشش و منش عدل ممثل است. هرگز از مقدمات خیالی و وهمی‌و نیز از متشابهات استعانت نمی‌جوید تا در استدلال‌ها، رقیبب را از پای درآورد؛ بلکه هم شرایط احتجاج‌کننده را کاملاً رعایت می‌کند و هم سطح ادراک مخاطب را بالا می‌آورد تا از وهم و خیال رهیده، حق‌بین و حق‌خواه گردد و نیز از فریفتگی به متشابهات وارسته، به هسته‌ی مرکزی استدلال عقلی یا نقلی برسد» (جوادی آملی؛۱۳۷۹؛ص ۱۳۸)

پیامبر (ص) هم از حکمت، برای اقناع مخاطبان خود بهره می‌جست و هم از جدال احسن؛ در جدال احسن از مقدمات مورد قبول مخاطب خود بهره می‌گرفت تا او را به پذیرش پیام الهی خود متقاعد سازد. در این نوع گفت‌وگوی جدلی هیچ وقت حقی را باطل جلوه نمی‌داد و باطل را لباس حق نمی‌پوشاند و از جهل مخاطب هم سوء استفاده نمی‌نمود. چون هدف پیامبرومحوررسالتش برشکوفایی عقل و خرد استوار است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به این ویژگی پیامبر این‌چنین اشاره کرده است«وَ یحتَجُّوا عَلَیهِم بِالتَّبلیغِ و یثیرُ لَهُم دَفائنَ العُقُولِ و یرُوهُمْ آیات المَقدرِۀ» (نهج‌البلاغه/ خ ۱) «یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبران، کند و کاو زمینه‌ی دل و شکوفایی فرزانگی و خردمندی صاحب دلان است. پس پیامبران اولاً دفینه‌های دل را بیرون می‌آوردند و ثانیاً دل را مشروح و باز می‌کنند تا ظرفیتش برای فراگیری علوم موافق با فطرت... بیش‌ترگردد» (جوادی آملی؛ ۱۳۷۹؛ص ۱۳۸).این فنون ممکن است مربوط به پیام رسان باشد. یکی از روش‌هایی که قرآن کریم برای فعالیت تبلیغی خود بکار می‌گیرد تا مخاطبان خود را متقاعد سازد روش بارش فکری «حکمت» است. منظوراز روش حکمت بکارگیری «عقل و وجدان» برای فهم و درک و پذیرش پیام اقناعی است. این روش را می‌توان «کلمۀ طیبه» نامید. «برای اینکه شامل گفتاروبیانی است که براساس حکمت ومنطق باشد»(رهبر،۱۳۷۱،ص۳۷۹) به این نکته هم باید توجه داشت که در فعالیت تبلیغی، «روش باید از واقعیت تفکر اسلامی‌و دیدگاه‌های آن نسبت به زندگی که برخاسته از مفهوم «حکمت» و متناسب با مقتضیات واقعی است اخذ شود و این به مفهوم «سخن به مقتضای حال» گفتن است.» (فضل الله، ۱۳۶۷،) دعوت به «حکمت» را «می‌توان ناظر به استفاده از کلمه متقن و استوار و حکیمانه و بیانگر و ثمربخش دانست برای این‌که دعوت قرآنی به رساندن حقایق باگفتارصادق،با شیوایی و رسایی، عقل‌ها و، وجدان‌ها را به پذیرش فرامی‌خواند» (رهبر،۱۳۷۱) برای دعوت به حقایق اساسی اسلامی مانند توحید و نبوت و معاد و سایر مسایل به دو روش می‌توان عمل کردو مخاطبان را اقناع نمود.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

باقلانی، محمدبن طیب ،۱۹۸۵م، البیان، چاپ د ی مکارثی، بیروت

همو،۱۳۷۴ق، اعجاز القرآن، دارالکتب العلمیه ، بیروت

پراتکانیس، آنتونی و آرنسون، الیوتی، (۱۳۸۴ش)،عصر تبلیغات، مترجم کاوس سید امامی و محمد صادق عباسی، چاپ چهارم، انتشارات سروش، تهران، ایران

جوادی آملی ، عبدالله ، ۱۳۸۲، تفسیر تسنیم ، اسراء ،قم

همو، (۱۳۸۵ش) توحید در قرآن،چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم، ایران

جوزف،نای ،۱۳۸۹،قدرت نرم ، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری ، ناشر دانشگاه امام صادق ، تهران

حسینی دشتی، سید مصطفی ،۱۳۸۵، دایرةالمعارف جامع اسلامی، مرکز تحقیقات اهل بیت ، قم

حلی ،حسن بن یوسف،۱۴۰۷ق ،کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر نشر اسلامی ،قم

همو ،۱۳۳۸، انوار ملکوت ،تحقیق محمد نجمی ،دانشگاه تهران ، تهران

خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۷۶، قرآن پژوهی، ج ۲، دوستان ،تهران

خویی ،سید ابوالقاسم ،۱۳۷۵،البیان فی تفسیرالقرآن، ترجمه هاشم هاشم زاده هریسی،گوناگون، تهران

راغب اصفهانی ، حسین بن محمد، ۱۳۸۳،مفردات قرآن ،ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلامرضا خسروی حسینی ،المکتبه المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه ،تهران

رهبر، محمد تقی، (۱۳۷۱ش)، پژوهشی در تبلیغ، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران،ایران

زمانی،محمد حسن،(۱۳۸۵ش) مستشرقان و فرآن، چاپ اول، بوستان کتاب،قم، ایران

سیوطی ،عبدالرحمن،۱۴۲۱ق، الاتقان فی علوم القرآن، درالکتاب العربی ، بیروت

شریف، رضی، (۱۴۰۷ق)، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، چاپ اول، بیروت، لبنان

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۴۱۳ق، الملل و النحل، دارالکتب العلمیه، مصر

همو ، ۲۰۰۴م ، نهایه الاقدام ، تحقیق فرید المزیدی، دار الکتب العلمیة ،بیروت

طباطبایی، سیدمحمد حسین ،۱۳۶۸، المیزان فی تفسیر القرآن ،ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ، دفتر نشر اسلامی ، قم

طبری ،محمدبن جریر، ۱۴۲۱ق،جامع البیان لاحکام القرآن، داراحیاء التراث العربی ، بیروت

طوسی، محمد بن حسن،۱۳۶۲ ، تمهیدالاصول فی علم الکلام، چاپ عبدالمحسن مشکوة الدینی، تهران

فتح الهی، ابراهیم،(۱۳۸۹ش)، متدولوژی علوم قرآن، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ایران

فضل الله، سید محمد حسین، (۱۳۶۷ش)، گام هایی در راه تبلیغ، مترجم احمد بهشتی،چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ایران

فیاض لاهیجی؛ عبدالرزاق ،۱۳۹۱،گوهر مراد،مقدمه از زین العابدین قربانی؛ ویراسته جعفر پژوم ناشر موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، اصفهان

فیروز آبادی ،احمد ابن فارس ابن زکریا، ۱۳۶۸، معجم مقاییس‌اللغة، دفتر نشر اسلامی ،قم

گلسرخی ،ایرج ،۱۳۷۷،تاریخ جادوگری، نشر علم ،تهران

مصاحب، غلام حسین،۱۳۶۷، دایرةالمعارف فارسی،)

معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۲ق)، تلخیص التمهید، چاپ چهارم، موسسه النشر الاسلامی، قم، ایران

مکارم شیرازی ، ناصر ،۱۳۶۷، تفسیر نمونه ، دفتر فرهنگ اسلامی ، تهران

مفید ، محمد بن محمد ، ۱۳۸۸، الارشاد ، ترجمه حسین موسوی مجاب ، نشر سرور ، قم

نصر ،حامد ابو زید ،۱۳۸۰، معنای متن ، ترجمه مرتضی کریمی نیا ، طرح نو ، تهران